روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

یکشنبه ۲۶ تیر ۱۴۰۱ ■ سال سی‌ام ■ شماره ۸۵۴۵

تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین

حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
کسی که دیگران را خالصانه نصیحت کند، با خود نیز خالص خواهد بود.

■ اذان ظهر: ۱۳:۱۱ ■ غروب آفتاب: ۲۰:۲۰
■ اذان مغرب: ۲۰:۴۰ ■ نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۲۰
■ اذان صبح: ۴:۲۰ ■ طلوع آفتاب: ۶:۰۲

■ صاحب امتیاز: **مؤسسه همشهری**
■ مدیرمسئول: **عبدا... گنجی**
■ سردبیر: **دانیال معمار**

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

توزیع و اشتراک:
موسسه نشرگستر امروز نوین
■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰

سازمان آگهی‌ها و نیازمندی‌ها:
■ خیابان قائم‌مقام فراهانی، میدان شعاع، خیابان شهید خدری شماره ۲۹ - طبقه اول ■ تلفن: ۸۴۳۲۱۷۰۰ - ۸۸۸۶۱۸۱۹

صفحه آخر

شب صحبت غنیمت‌دان که بعد از روزگار ما
بسی گردش کند گردون، بسی لیل و نهار آرد
حافظ

گرینویچ

آیرودینامیک خودرو، کمردرد راننده

برلین: پس از اینکه مشخص شد علت کمردرد لوئیس همیلتون راننده سرشناس تیم فرمول‌یک مرسدس‌بنز آیرودینامیک خودرو بوده قرار است تغییرات خاصی روی بدنه خودروهای این مسابقات انجام شود. به گزارش دویچه‌وله، قرار است سنسورهای دقیق‌تری برای اندازه‌گیری بهتر ارتعاشات ایرودینامیکی، جزو فهرست تجهیزات اصلی اتومبیل‌های فرمول‌یک شوند. تغییرات ایرودینامیکی اخیر در ساختار بدنه اتومبیل‌های فرمول‌یک، منجر به «پرش‌های» کوچک و خطرناک خودروها حین مسابقه شده است. حال برای جلوگیری از این مسئله مقررات جدیدی درنظر گرفته شده است. همچنین اتحادیه جهانی ورزش‌های موتوری(FIA) برای جلوگیری از ایجاد «پرش‌های» اتومبیل در هنگام مسابقه، تدابیر و مقرراتی را برای کاهش خطر حادثه و نیز حفظ سلامت راننده‌های فرمول‌یک طراحی کرده است. بروز این اختلال‌ها در حرکت پرسرعت خودرو، منجر به تصادف و به خطر افتادن سلامت و جان شماری از راننده‌های حرفه‌ای این رشته ورزش موتوری در برخی از مسابقات اخیر جایزه بزرگ فرمول‌یک شده بود.

تهدید، فرودگاه را تعطیل کرد

سان‌فرانسیسکو: پلیس شهر سان‌فرانسیسکوی آمریکا اعلام کرد، بخش ترمینال فرودگاه بین‌المللی سان‌فرانسیسکو بعد از مطرح شدن تهدید بمب‌گذاری علیه این فرودگاه و یافت شدن یک شیء مشکوک در آنجا، تخلیه شد. به گزارش رویترز، پلیس سان‌فرانسیسکو در توییتر نوشت: افسران این نیرو در این فرودگاه تهدیدی برای بمب‌گذاری دریافت و یک بسته مشکوک را ضمن تحقیقات‌شان پیدا کردند. این فرودگاه نیز در توییتی نوشت: ترمینال بین‌المللی فرودگاه به‌دلیل تداوم فعالیت‌های پلیس در دست تخلیه شدن است. این فرودگاه همچنین اعلام داشت که بخش قطار هوایی خود و قطارهای ترانزیت سریع را بعد از این تهدید به بمب‌گذاری معلق ساخته است. پلیس یک‌نفر را در ارتباط با این موضوع دستگیر کرده است. مطابق مقررات فرودگاه‌های جهان حتی با کوچک‌ترین تهدیدی باید تدابیر خاص امنیتی را رعایت کنند.

بزرگ‌ترین تابلوی ماندالا

دمشق: دختر هنرمند اهل سوریه، با ترسیم یک تابلوی ماندالا(طرح‌هایی شامل دایره‌ها و شکل‌های هندسی که در مذاهب شرق آسیا نمادی از جهان هستند) ۲۵متری، نام خودش را به کتاب رکوردهای گینس اضافه کرد. به گزارش المیادین، لما ذکریا هنرمند سوری‌ای است که ماندالا رسم می‌کند. او اخیرا تابلویی به طول ۲۵متر کشیده و توانسته با این رکورد وارد کتاب گینس شود. این هنرمند که در شهر کوچکی در حومه دمشق زندگی می‌کند، این تابلو را در کارگاه کوچک خودش و با استفاده از رنگ‌های اکرولیک کشیده است. دایره‌هایی که او ترسیم کرده تکرار نشده و همگی متفاوت هستند. لما ذکریا گفته است برای این کار ۲سال تمرین کرده و سختی کشیده است. این هنرمند از اینترنت برای پیشرفت خودش در این هنر استفاده کرده است. او گفته شبی که این رکورد را ثبت کرده و نامش سر خط خبرها شده، از شادی خودش و خانواده‌اش نخوابیده‌اند. لما ذکریا گفته است: من ماندالا را انتخاب نکردم بلکه ماندالا من را انتخاب کرده است. همه‌چیز از آنجایی شروع شد که یک طرح در گوشه کتاب درسی‌ام ترسیم کردم و بعد طرحی را در اینترنت دیدم که خیلی شبیه به آن بود. از آن پس دریافتم که این طرح‌ها نوع خاصی از هنر است که به آن ماندالا می‌گویند.

عکس: حمیدرضا حسینی

سفر آخر امیدوار

نگاه

سارا کریمان
روزنامه‌نگار

کالسکه خانه عمارت رشک بهشت کماکان تنها موزه جهانگردی ایران است. صد و اندی سال پیش مردی دنیا دیده که دلباخته پدیده جدیدی به نام دوربین عکاسی شده بود خانه‌ای بر بلندای شمیران ساخت که منظری فراخ‌تر از جهان‌نمای ناصری داشت. درگاه ورودی به قصر علی‌خان والی، عمارتی رفیع برای انتظار و استراحتگاه سورچیان بود. می‌توان تصور کرد این جماعت که زندگی‌شان در راه و بیراه می‌گذشت، چه نقل‌ها و خاطراتی از سفرها برای هم‌عنان خود آب و تاب می‌دادند. قصر والی دست به‌دست تاریخ شد و بر رشک بهشت افزودند و کاستند اما دروازه و عمارت ورودی پایدار ماند تا روایتگران سفر، قصه‌های دور و درازتری را در قاب موزه‌ای ببندند. اندیشه ایجاد یک موزه جهانگردی بر پایه آثار ملل و عکس‌های جهانگردان نامدار دوران معاصر، باب قصه‌گویی را در دروازه قصر والی عکاس گشود. ۲دهه از افتتاح موزه برادران امیدوار در اینجا می‌گذرد. عیسی و عبدالله امیدوار در دهه ۳۰خورشیدی راهی سفر به دور دنیا شدند. در مدت ۱۰سال به شرق و غرب راندند و خرج سفر را از عکاسی و مقاله درآوردند. از مقامات عالیرتبه کشورهای مترقی تا ریش سفیدان قبایل بدوی آنان را گرامی داشتند. حاصل یک دهه سفر مجموعه‌ای از ابزار و وسایل و حیوانات خشک شده سرزمین‌های دوردست بود و گنجینه‌ای از عکس و فیلم. در پایان سفر عیسی آهنگ وطن کرد و عبدالله پابند عشق، ساکن کشور شیلی شد. در این ۲دهه که از افتتاح موزه برادران امیدوار در تپه علی‌خان کاخ سعدآباد می‌گذرد، عاشقان سفر، اینجا را نقطه وصل امید می‌دانند. امروز چشم حسرت به بدرقه آخرین سفر عبدالله امیدوار می‌دوزد و دعای سلامتی و طول عمر بر عیسی می‌خواند. برادران امیدوار دانستن و آموختن را سعادت می‌دانستند. با کمترین امکانات، خود را به حوادث سپردند تا اسرار جهان را منتشر کنند.

تقویم / سالمرگ

نابغه موسیقی

«موسیقی میرزاده یا به‌عبارت روشن‌تر، دنیای ملودی‌ها و تنظیم‌هایی که آفریده ذوق و خلاقیت نیرومند زنده‌یاد مجتبی میرزاده است، برای آنهایی که گوش‌شان با انواع ساخته‌های باکلام و بی‌کلام آشناست، برای آنها که دلباخته ملودی‌های شیرین و دلفریب هستند و از تنظیم‌های ارکستری پُرشور و حال لذت می‌برند، خیلی آشناتر است تا نام و تصویر و گفته‌های او که در مدت ۴۰سال آنها را ساخت و اجرا کرد». این توصیف کوتاه سیدعلیرضا میرعلی‌نقی، پژوهشگر نام‌آشنای موسیقی ایرانی، از مجتبی میرزاده است؛ توصیف مجملی که با همه اختصارش، به‌راستی جان کلام همه گفتنی‌ها را درباره یکی از برجسته‌ترین و کاربلدترین موسیقی‌دانان معاصر داراست: موسیقی‌دانی که شهرتش به‌اندازه اعتبار و مرتبه والای موسیقایی‌اش نیست؛ موسیقی‌دانی به‌نام مجتبی میرزاده. میرزاده نوازنده چیره‌دست ویولن، کمانچه و سه‌تار در گفت‌وگویی از مخالفت پدرش با نوازندگی اینطور یاد کرده: «یواشکی و دور از چشم پدر در یک اتاق کوچک تمرین می‌کردم؛ بدون معلم. آن موقع ساز، تنها از رادیو پخش می‌شد. من شیفته نوازندگی آقای پرویز یاحقی بودم. خیلی سعی می‌کردم که او را الگوی خودم قرار بدهم. شب و روز من شده بود آرشه‌کشی. بعد هم که کمی گذشت، چند کتاب در خصوص ساز ویلون به دستم رسید که خیلی کمک حالم شد». برخی از مخاطبان موسیقی که با آهنگ‌های متنوعی در گونه‌های مختلف موسیقایی خاطره دارند از موسیقی سنتی و محلی گرفته تا موسیقی انقلابی و دفاع‌مقدس و موسیقی کوچه و بازاری و موسیقی پاپ و نیز موسیقی فیلم، شاید خودشان ندانند که آهنگساز یا تنظیم‌کننده یا نوازنده آهنگ دلخواهشان، مجتبی میرزاده بوده است؛ مردی که در بیست و هفتم اسفند ۱۳۲۴ در کرمانشاه به دنیا آمد و گرچه در ۲۶ تیر ۱۳۸۴ در تهران درگذشت، اما تا نغمه و نوا در این عالم به گوش می‌رسد، نام و یاد و هنر او نیز باقی و جاوید خواهد بود.

دغدغه

بی‌آبی؛ اپوزیسیون همه ایرانی‌ها

میثم قاسمی

دولت‌ها و نظام‌ها، نیروهای سیاسی را به دو دسته موافق و مخالف دسته‌بندی می‌کنند. در عرف سیاسی، به مخالفان «اپوزیسیون» گفته می‌شود که معمولا تلاش دارند دولت را ساقط کرده و خود به جای آن بنشینند. تقریبا هیچ نظام سیاسی‌ای را نمی‌توان در دنیا یافت که اپوزیسیون نداشته باشد و همواره میان موافقان و مخالفان دولت، نزاعی - حداقل کلامی - در جریان است و به سختی می‌توان موضوعی را یافت که گروه‌های سیاسی بر سر آن توافق داشته باشند که اگر درباره کلیت موضوع توافق حاصل شود، بر سر جزئیات باز هم اختلاف باقی خواهد ماند. در ایران نیز مانند دیگر کشورها، گروه‌ها و دسته‌های سیاسی مختلفی وجود دارند که معمولا از هر فرصتی برای کوبیدن مواضع طرف مقابل استفاده می‌کنند؛ اما انتظار می‌رود این گروه‌ها و افراد درباره موضوعی که نه فقط ساختار سیاسی که حیات کلیه ایرانی‌ها را به خطر انداخته، اشتراک نظر داشته باشند.

اخبار خشک شدن دریاچه ارومیه در کنار خشکی رودخانه‌ها و چشمه‌های دیگر و همچنین وضعیت نگران‌کننده زاگرس، نشان می‌دهند خطری عظیم زندگی در ایران را تهدید می‌کند. تهدیدی که بسیار فراتر از منازعات سیاسی معمول است؛ اما متأسفانه چنین خطری در لابه‌لای دعواهای جناحی و سیاسی، گم شده است.

برای ناظران دنیای سیاست، عجیب نیست اگر گروه‌های سیاسی درمورد نحوه مقابله با خطر خشکی ایران، اختلاف نظر داشته باشند؛ اما موضوع زمانی عجیب می‌شود که عده‌ای به کل این خطر را منکر شده یا نادیده می‌گیرند. آن را کوچک و در حد یک خشکسالی جزئی می‌پندارند و همچنان به شعارهای خود ادامه می‌دهند. از لزوم ساخت صنایع در میانه کویر حرف می‌زنند، وعده خودکفایی در محصولات کشاورزی می‌دهند و چنان می‌نمایند که انگار ایران، جزیره‌ای در میان آب‌های شیرین است و هرچه مصرف کنیم، تمامی ندارد. صدای نگران کارشناسان یا به گوش آنها نمی‌رسد یا ترجیح می‌دهند به کسانی گوش دهند که شهره عام و خاص در نادانی هستند.

خشکی ایران و رخدادهایی که پس از آن می‌آیند، نه فقط تهدیدکننده دولت مستقر یا حتی نظام سیاسی که خطرآفرین برای کل زندگی در ایران است. تفاوتی ندارد ما در کدام نقطه از صفحه سیاسی ایران امروز ایستاده‌ایم، اگر «آب» نباشد، برای همه ما نیست و آن‌وقت باید زندگی در این کشور را به تاریخ بسپاریم. بی‌آبی، اپوزیسیون تمام ما ایرانی‌هاست و اگر فکری به حال آن نکنیم، بنیان‌مان را برمی‌اندازد.

ناسازگاری آبی

فاطمه عباسی

مسئله بحران آب چه در کشور ما و چه در کل جهان، سال‌هاست که مطرح می‌شود و شاید به همین دلیل باشد که حالا وقتی کارشناسی، مسئولی یا فعال محیط‌زیستی می‌آید و درباره موج تشنگی و وضعیت بغرنج کم‌آبی که شانه به شانه تمام ایران را درنوردیده و تا دوردست‌ترین روستاها هم رسیده، حرف می‌زند، برخی از ما تصور می‌کنیم هنوز مانده تا برمودای این خشکسالی غرقمان کند. برای همین است که وقتی می‌بینیم آب هنوز هم برای ما شهرنشین‌ها پرفشار است، کار خاصی برای صرفه‌جویی انجام نمی‌دهیم و حواله‌اش می‌دهیم به آینده. اما راستش وضعیت منابع آبی، آنطور که آمار و ارقام می‌گوید، سال به سال در حال بدتر شدن است و امسال حجم آب مخازن از سال‌های گذشته هم کمتر شده و برای باقی تابستان وضعیت نرمالی پیش‌بینی نمی‌شود. صادق یونسلو، مدیر پدافند غیرعامل شرکت آب و فاضلاب تهران هم خبر بدی می‌دهد: «استان تهران ۲۵ درصد جمعیت کشور را به‌خود اختصاص داده اما در مقابل ۵درصد منابع آبی را در اختیار دارد، یعنی استان تهران در فقر مطلق آبی است.» بگذارید با عدد و رقم بگوییم؛ حدودا هر تهرانی ۲۲۰ لیتر در شبانه روز آب مصرف می‌کند، درحالی که در تابستان تنها یک کولر در تهران بیش از ۲۰۰ لیتر آب مصرف می‌کند. از طرفی حدود ۲۸ درصد بارندگی‌ها و ۲۷ درصد حجم سدها نسبت به سال گذشته کاهش پیدا کرده، با این حال در شهر تهران در هر ثانیه حدود ۴۱هزار لیتر مصرف آب داریم. این عدد بسیار بزرگ است و این عدد در استان تهران به ۵۲ هزار لیتر در ثانیه می‌رسد. حالا اینکه چرا با وجود این عددهای ترسناک هنوز ما به قطعی آب نرسیده‌ایم، دلیلش این است که فعلا کمبود آب مورد نیاز ساکنان استان تهران با انتقال آب بین حوضه‌ای جبران شده است. اما خوب می‌دانیم این راهکار هم موقتی است. درست است که آسمان یاری نمی‌کند، اما به‌گفته کارشناسان عامل ایجاد ۵۰ درصد خشکسالی‌ها را انسان‌ها با اقدامات خود ایجاد کرده‌اند. آنها معتقدند در این شرایط باید با خشکسالی کنار بیاییم و رفتار خود را با توجه به منابع آبی تغییر دهیم، اما متأسفانه ما سازگار نیستیم و سازگاری تنها راهکار مقابله با کم آبی است.

باشگاه نویسندگان

یکشنبه

یک موزه ۲ تابلو

جواد رسولی
کارشناس رسانه

در موزه هنرهای معاصر مادرید به نام موزه رینا سوفیا، تابلویی هست که قلب موزه به شمار می‌رود. گردشگران و بازدیدکنندگان انبوه این موزه حواسشان هست که نباید تجربه تماشای این تابلو را از دست بدهند و اغلب مسیر بازدید را طوری انتخاب می‌کنند که زودتر به سالن شماره ۲۰۵ برسند و زودتر جلوی «گرنیکا» اثر بسیار مشهور پابلو پیکاسو بایستند. این تابلو را پیکاسو در سال ۱۹۳۷ کشیده است و منبع الهام او هم بمباران روستای گرنیکا واقع در منطقه باسک در شمال اسپانیا بوده است. این تابلو سفرهای زیادی در جهان کرده و امروز با ابعاد بزرگش (حدود ۷ و نیم متر در ۳ و نیم متر) قلب یکی از مهم‌ترین موزه‌های هنر معاصر اروپاست؛ تابلویی که امروز مهم‌ترین اثر ضدجنگ در تاریخ هنر شناخته می‌شود؛ مشهور، پرآوازه و منشأ بسیاری از کتاب، مقاله و مطالعه.

در همین موزه رینا سوفیا، تابلوی دیگری هست با عنوان «طبیعت بی‌جان» که کمتر کسی مقابلش توقف می‌کند تا در آن خیره شود و سعی کند آن را بفهمد. این تابلو اثر سالوادور دالی، دیگر نقاش بزرگ اسپانیایی است که آن را در سال ۱۹۲۴ و در سنین جوانی کشیده و گونه‌ای تمرین نقاشی مدرن اروپایی به‌خصوص در سبک کوبیسم است. به‌نظر می‌رسد که اجزای نقاشی یک ظرف میوه و یک بطری نوشیدنی را به تصویر کشیده‌اند. این تابلو اثر ظاهرا بی‌اهمیتی است و توجهی را برنمی‌انگیزد، اما تابلو در خود داستانی دارد. در دهه ۲۰ میلادی و در خوابگاه دانشجویی مادرید ۳ مرد جوان با همدیگر دوست شدند و این دوستی و آشنایی باعث ایجاد شماری از شگفت‌انگیزترین آثار هنری قرن بیستم اروپا شد. این ۳ نفر سالوادور دالی از کاتالونیا، لوییس بونیئول از آراگون و فدریکو گارسیا لورکا از آندالوسیا بودند. هر ۳ نفر قله‌های تازه‌ای را در نقاشی، سینما و شعر نه‌تنها در اسپانیا که در جهان فتح کردند و آثار درخشانی را به یادگار گذاشتند. بین این ۳ نفر، رفاقت میان دالی و لورکا رفاقتی بسیار صمیمی و نزدیک بود. مهر و محبتی که این دو به هم داشتند روی کار هر دو تأثیراتی گذاشت. گارسیا لورکا از تابلوی طبیعت بی‌جان دالی خوشش آمده بود و دالی هم بلافاصله آن را به لورکا هدیه داد. تصویری از اتاق لورکا در خوابگاه هست که تابلو را بالای تختش به دیوار زده است. بعد از آنکه لورکا به شهر خودش گرانادا برمی‌گردد، تابلو را هم با خودش می‌برد و تا پایان عمر نگه می‌دارد، اما پایان عمر لورکا خیلی زود از راه رسید. در همان سال ابتدای جنگ داخلی اسپانیا، وقتی لورکا تنها ۳۸سال داشت توسط عده‌ای ناشناس که شبانه در خانه‌اش آمده و از او خواسته بودند کمی با آنها «قدم بزند» تیرباران شد. تابلوی طبیعت بی‌جان در این شب تلخ برای هنر و ادبیات اسپانیا هنوز روی دیوار اتاق لورکا آویزان بود. بعدها این تابلو در اختیار موزه رینا سوفیا قرار گرفت.

با دانستن تاریخچه کوچک پشت این تابلو، تجربه تماشای آن ناگهان تغییر می‌کند. داستان نبوغ و رفاقت و عشق و در نهایت مرگ تراژیکی که این تابلو به همراه خود دارد، تجربه تماشای آن را به چیزی بسیار فراتر از اتود زدن نقاشی جوان در سبکی مدرن تبدیل می‌کند. این تابلو بخشی از تاریخ هنر جهان، تاریخ سیاست اسپانیا و تاریخ زشت و تاریک جنگ است. اگرچه شهرت ضدجنگ بودن با گرنیکای پیکاسو گره خورده است، اما برای من که بارها برای تماشای تابلوی کوچک دالی به این موزه رفته‌ام، طبیعت بی‌جان بسیار عمیق‌تر و هولناک‌تر سویه تلخ و زشت جنگ را نشان می‌دهد؛ تابلویی که حتی ذره‌ای در میزان توجه و استقبال نمی‌تواند با گرنیکا رقابت کند، اما هر کسی که داستان آن را بداند، دیگر هیچ‌وقت گرنیکا را جدی نمی‌گیرد.

زندگی پدیا

شکل کلام

مریم ظاهری

تماس گرفتم و جواب نداد و فی‌الفور نوشت پیام بده، چیزی را که تلفنی می‌خواستم بپرسم و جوابم را نداده بود، تایپ کردم و به جای پاسخ برایم ایموجی فرستاد. معنی چیزی را که فرستاده بود نگرفتم و برایش علامت سؤال فرستادم و جوابی نیامد. بی‌خیال ماجرای ایموجی بازی شدم و تلفن را خاموش کردم. تب و تاب برنامه فردا بعدازظهر اجازه ندادگوشی مدتی طولانی خاموش بماند. روشن کردن گوشی و اتصال به شبکه مجازی و رسیدن ایموجی پرسش متفکرانه همان. تماس گرفتم و گوشی را این‌بار جواب داد و به‌جای سلام گفت بعله؟ و رگباری ادامه داد چقدر زنگ می‌زنی و پیام می‌دی صبح که باهات فیکس کردم، حالا چیه؟ قرار فردا همون جا و همون ساعت. گفتم فردا کار دیگری هم اضافه شده و حتما باید انجام بشه به اون زمان نمی‌رسم تو باید جابه‌جا کنی تأکید از بالاست و ظاهرا خیلی مهمه و چند باری موکد شده برای انجام و حضور سر وقت؛ نمی‌دانم تلفنش از کجا قطع شده بود و متوجه نشده بودم و داشتم با خودم حرف می‌زدم. تماس قرار کاری سمی‌تر از این نمی‌شد. مشخصا نمی‌دانستم چه کنم. آیا تماس مجددا با بی‌پاسخی همراه می‌شد و با ایموجی ادامه پیدا می‌کرد؟ مشکلی با ایموجی بازی نداشتم اما در این مورد به‌خصوص جایش اینجا نبود. و باید جوابی قطعی می‌گرفتم که فرستادن شکلک پاسخش نبود. این هم از معایب تکنولوژی و پیچیدگی‌هایش بود که از آدم‌ها، آدم دیگری ساخته بود، کسی که هم می‌تواند در دسترس باشد و هم نباشد می‌تواند بپیچاند و هم پاسخگو باشد؟ آیا این معضل من بود و از علاقه نوستالژیکم به تلفن‌های قدیمی ثابت می‌آمد؟ وسیله ارتباطی که هر تماسی با صدا و پاسخی تماماً واقعی همراه بود. طرف اگر بود که هیچ جواب تلفنت را می‌داد و اگر نه لابد کسی بود که پاسخ بدهد که فلانی نیست؛ یک نیست واقعی. این‌روزها انگار دست آدم برای هر کاری بازتر است. البته تلفن ثابت خالی از عیب نبود اما وجه واقعی آن ایرادها و مزاحمت‌هایش را پوشش می‌داد. و تنها شاید حسنش این بود که نمی‌شد با آن ایموجی قهقهه و شادی و شکلک‌های غم و اندوه فرستاد. صدای خنده و شنیدن صدای گریه از تلفن به‌نظرم نکته مهمی بود و هست. که نوشتن و وویس فرستادن و ایموجی راه‌حلش نبود. بالاخره هر چه بود قرار برقرار شد و هر دو کار به سرانجام رسید. و یک چیز تکلیفش با خودم روشن نشد که چرا باید برای ایموجی روز جهانی انتخاب کرد. ۱۷جولای مطابق با ۲۶تیر روز جهانی ایموجی است.